

مجلس سوم

نقش قیام عاشورا در قیام‌های حق طلبانه

حجت الاسلام والمسلمین عبدالکریم پاک‌نیا تبریزی*

درآمد

امام حسین علیه السلام فرمود: «فَلَكُمْ فِيَّ أُسْوَةٌ؛ قیام من، سرمشق شماست.»

تأسیس کربلا نه فقط بهر ماتم است

دانش‌سرای مکتب اولاد آدم است

از خیمه‌گاه سوخته تا ساحل فرات

تعلیم‌گاه رهبر خلق دو عالم است^۲

نهضت کربلا، بعد از شهادت امام حسین علیه السلام، با سخنرانی‌های بیدارگرانه

امام سجاد علیه السلام و زینب کبری علیه السلام جاودانه شد. اگرچه به ظاهر در عاشورای سال

۶۱۰ق. پیروزی از آن یزیدیان بود و نبرد نابرابر کربلا به نفع جبهه باطل به پایان

رسید، ولی در نگاه عمیق، پیروزی حقیقی متعلق به امام حسین علیه السلام و یاران او

* استاد سطح عالی حوزه علمیه قم و از مبلغان نخبه دفتر تبلیغات اسلامی.

۱. طبری، تاریخ الأمم والملوک، ج ۵، ص ۴۰۳.

۲. شعر از: میر اسماعیل بلخی رحمته الله.

بود؛ چراکه حضرت در آن قیام، راه و رسمی ماندگار در عالم به یادگار گذاشت و با خون سرخش، مکتبی را برای مسلمانان، بلکه همه آزادگان جهان بنا نهاد که تا همیشه تاریخ باقی است و سرمشق حق‌طلبان عالم است.^۱ از همین رو، بعد از جریان کربلا، نهضت‌های حق‌طلبانه و رهایی‌بخش، مانند: قیام توّابین، قیام حرّه و قیام مختار به وجود آمد که نگرش‌ها را درباره حکومت امویان تغییر داد و پرسش‌های متعددی را فراروی همگان ارائه نمود؛ از جمله اینکه: چرا فرزند پیامبر ﷺ در یک جنگ نابرابر شرکت نمود؟ چرا آن حضرت کودکان و اهل‌بیت خویش را همراه خود برد؟ چرا جهان اسلام در برابر قیام امام سکوت کرد؟ در این نوشتار، به بررسی شماری از قیام‌هایی که به‌تأسی از نهضت حسینی و یا برای خون‌خواهی امام و یارانش شکل گرفتند، می‌پردازیم.

قیام‌های متأثر از نهضت حسینی

۱. قیام مردم سیستان

یکی از قیام‌های که پس از حادثه عاشورا، برای خون‌خواهی امام حسین علیه‌السلام به وقوع پیوست، قیام مردم سیستان بر ضدّ حاکمان اموی بود. مردم سیستان، پس از پذیرش اسلام در سال ۳۰ قمری، در راه خدا و ولایت علی علیه‌السلام بسیار کوشیدند و افتخارات مهمی را به نام خود ثبت کردند.^۲ در تاریخ سیستان

۱. مهدی رستم‌نژاد و سعید داودی، عاشورا؛ ریشه‌ها و انگیزه‌ها، ص ۶۶.

۲. شاه سیستان، «ایران، پسر رستم، پسر آزادخو، پسر بختیار»، پس از مشورت با موبد موبدان، شخصی را نزد ربیع‌بن‌زیاد فرستاد و اعلام کرد: «ما از نبرد عاجز نیستیم؛ زیرا شهر ما، شهر مردان و پهلوانان است؛ اما با خدای بلندمرتبه نمی‌توان جنگید؛ چه ما در کتاب‌ها خوانده‌ایم که شما سپاهیان خدایید و به سوی ما خواهید آمد و محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرستاده خداست. بنابراین، صلح کردن، از جنگ و خون‌ریزی بهتر است.» (تاریخ سیستان، ص ۸۱)

می‌خوانیم که پس از شهادت امام حسین علیه السلام و اسارت اهل بیت علیهم السلام، مردم سیستان با شنیدن این خبر، به خون‌خواهی ابا عبدالله الحسین علیه السلام بر ضد یزید و حکمران او در سیستان، عبّاد بن زیاد (برادر عبیدالله بن زیاد)، قیام کردند. با اینکه در آن موقع، حکمران سیستان، سپاه و نیروی انتظامی و نیز محکمه قضا را در اختیار داشت و کاملاً بر اوضاع مسلط بود، ولی همین که عده‌ای از مردم قیام خود را آغاز کردند، عبّاد بن زیاد با برداشتن بیست میلیون درهم بیت‌المال، به بصره فرار کرد؛ به طوری که سیستان ماه‌ها بدون والی ماند.^۱

۲. قیام حرّه در مدینه

شورش مدینه در سال ۶۳ یا ۶۲ ق. رخ داد و به فاجعه «حرّه»^۲ مشهور گردید. این حادثه از آنجا سرچشمه گرفت که پس از شهادت امام حسین علیه السلام، موجی از خشم و نفرت در مناطق اسلامی بر ضد حکومت یزید برانگیخته شد. در شهر مدینه نیز که مرکز خویشاوندن پیامبر و صحابه و تابعین بود، مردم به خشم آمدند. حاکم مدینه، عثمان بن محمد، به دستور یزید گروهی از بزرگان شهر را به نمایندگی از طرف مردم مدینه، به دمشق فرستاد تا در بازگشت، مردم را به اطاعت از حکومت وی تشویق کنند. به دنبال این طرح، عثمان هیئتی مرکب از «منذر بن زبیر بن عوام»، «عبیدالله بن ابی عمرو مخزومی»، «عبدالله بن حنظله، غسیل الملائکه» و چند تن دیگر از شخصیت‌های بزرگ مدینه را جهت دیدار با یزید به دمشق فرستاد؛ تا اینکه نمایندگان به شام آمدند و یزید پذیرایی باشکوهی از آنان در کاخ خود ترتیب داد و به هر کدام هدایا و خلعت‌های هنگفتی بخشید.

۱. تاریخ سیستان، ص ۱۰۰-۱۰۱.

۲. حرّه، به معنای زمین سنگلاخی و سنگستان است و به علت پیدایش این فاجعه در آن منطقه، به «واقعۀ حرّه» معروف شده است. (ابن منظور، لسان العرب، واژه «حرّه»)

او فکر می‌کرد که آنان با دریافت این پول‌ها و با آن پذیرایی در کاخ سبز دمشق، در بازگشت به مدینه، از او تمجید خواهند کرد؛ اما این دیدار، نه‌تنها به نفع او تمام نشد، بلکه کاملاً نتیجه معکوس داشت. نمایندگان، به جز منذر بن زبیر به مدینه بازگشتند و نتیجه گزارش، این بود:

«وَاللَّهِ مَا حَزَبْنَا عَلَى يَزِيدَ حَتَّى خِفْنَا أَنْ نُزْمِيَ بِالْحِجَارَةِ مِنَ السَّمَاءِ. إِنَّ رَجُلًا يَنْكحُ الْأَمَهَاتِ وَالْبَنَاتِ وَالْأَخْوَاتِ وَيَشْرِبُ الْخَمْرَ وَيَدْعُ الصَّلَاةَ...»^۱ به خدا سوگند! ما علیه «یزید» قیام نکردیم مگر زمانیکه ترسیدیم که اگر علیه او قیام نکنیم، هدف سنگهای آسمانی قرار گیریم و این بدان جهت بود که وی با کنیزان اولاددار و با دختران و خواهران همبستر می‌شد و باده‌گساری می‌کرد و نماز را نیز ترک گفته بود»

به دنبال این جریان، مردم مدینه با عبدالله، پسر حنظله، بیعت کردند و حاکم مدینه و همه بنی‌امیه را از شهر بیرون کردند. این گزارش که به یزید رسید، «مسلم بن عقبه» را که از سرسپردگان بنی‌امیه بود، با لشکر انبوهی برای سرکوبی نهضت به مدینه اعزام کرد و به وی گفت: به آنان سه روز مهلت بده؛ اگر تسلیم نشدند، با آنان بجنگ و وقتی پیروز شدی، سه روز هرچه دارند، از اموال و چارپایان و سلاح و طعام، همه را غارت کن و در اختیار سربازان بگذار... سپاه شام، مدینه را مورد حمله قرار داد و جنگ خونینی بین دو گروه درگرفت و سرانجام، شورشیان شکست خوردند و سران نهضت کشته شدند. مُسَلِم به مدت سه روز دستور قتل‌عام و غارت شهر را صادر کرد که مُسَلِم را به جهت این جنایات، «مُسرف» نامیدند.^۲

۱. ابن‌سعد کاتب واقدی، الطبقات الکبری، ج ۵، ص ۴۹.

۲. طبری، تاریخ الأمم والملوک، ج ۷، حوادث سال ۶۲ق؛ مسعودی، مروج الذهب، وقایع سال ۶۲ق؛ ابن‌اثیر، الکامل، ج ۴، حوادث سال ۶۲ق.

ابن قتیبہ می‌نویسد: یکی از سربازان شامی، به منزل زنی وارد شد که کودکی شیرخوار داشت. سرباز از او اموالی را طلب کرد؛ زن اظهار داشت: هر چه مال در خانه داشتم، همه را به غارت بردند. سرباز سنگ‌دل یزیدی، طفل شیرخوار را از دامن مادر جدا کرد و در برابر چشم او، چنان سرش را به دیوار کوبید که مغزش متلاشی شد.^۱

ابن ابی‌الحدید می‌نویسد: لشکریان شام، مردم مدینه را سر بریدند؛ آن‌گونه که قصاب، گوسفند را سر می‌برد. چنان خون‌ها ریخته شد که قدم‌ها در میان آنها فرو می‌رفت؛ فرزندان مهاجر و انصار و مجاهدان بدر را به قتل رساندند و از آنها که باقی ماندند، به‌عنوان بردگان برای یزید بیعت گرفتند.^۲ در این فاجعه، از بزرگان مهاجر و انصار هزار و هفتصد تن، و از سایر مسلمانان ده‌هزار تن به قتل رسیدند.^۳

۳. قیام توأیین در کوفه

حادثه کربلا، همانند خورشید فروزان، همه جا را فرا گرفته است. این امر را می‌توان به جهت وجود ویژگی‌هایی چون خدامحوری و ستم‌ستیزی در سیره امام حسین علیه‌السلام و یاران او جست‌وجو کرد. افزون‌براین، باید یکی از دلایل جاودانگی آن را نیز حضور پُرثمر اهل بیت علیهم‌السلام در این نهضت دانست که در جهت پیام‌رسانی، تأثیر بسزایی داشته است؛ زیرا خون و پیام، در هر انقلابی مکمل یکدیگر بوده، ارزش پیام‌رسانی، هرگز کمتر از خون و شهادت نیست. از این رو، اولین جرعه‌های قیام را بعد از عاشورا، امام سجاد علیه‌السلام و زینب کبری علیها‌السلام

۱. دینوری، الإمامة والسیاسة، ج ۱، ص ۲۳۸.

۲. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۲۵۹.

۳. دینوری، الإمامة والسیاسة، ج ۱، ص ۲۳۹.

با خطابه‌های روشنگر و آتشین خود کلید زدند. خطبه زینب علیها السلام، مردم کوفه را منقلب نمود و هریک از کلمات او، همانند بمب بود که بر کاخ ابن‌زیاد فرود می‌آمد. این خطبه، چنان تحولی در مردم کوفه ایجاد نمود که به اشتباه خود پی برده، در صدد قیام برآمدند و نسل‌های آتی نیز با الهام از آن خطابه، به سوی انقلاب‌های سیاسی و فرهنگی گام برداشتند و ثمره آن، در دهه‌های بعد آشکار شد. بر این اساس، پس از خطبه زینب علیها السلام، زمزمه‌های انتقام از قاتلان امام حسین علیه السلام بر سر زبان‌ها افتاد. قیام توّابین به منظور خون‌خواهی امام و با انگیزه‌های الهی و با شعار «یا لَنَارَاتِ الْحُسَيْنِ» به رهبری سلیمان بن صُرد خزاعی آشکارا آغاز گردید. توّابین در ۵ ربیع‌الأول سال ۶۵ق. از نخيله راهی دمشق شدند. هنگامی که سپاه به کربلا رسید، از اسب‌ها پیاده شدند و گریان خود را به قبر امام علیه السلام رسانده، اجتماع پُرشوری را تشکیل دادند. سلیمان و همراهانش دست به ناله و مناجات برداشته، با خدا عهد کردند و گفتند: خدایا! ما فرزند پیامبرت را تنها گذاشتیم و خوار کردیم. گذشته ما را ببخش و توبه‌مان را بپذیر که تو قطعاً توبه‌پذیر و بخشنده‌ای! خدایا! بر حسین و یاران راستگو و شهیدش رحمت بفرست! ای پروردگار ما! تو شاهد باش که ما عهد می‌بندیم که بر همان دین و راه حسین علیه السلام و یارانش که بر آن شهید شدند، قدم بگذاریم و اگر ما را نیامرزی و بر ما رحم نکنی، یقیناً ما از زیان‌کاران خواهیم بود.^۱

آنان بر اساس این پیمان، تا آخرین قطره خون خود با عوامل بنی‌امیه به مبارزه پرداختند. توّابین در اطراف شام و در محلی به نام «عین الورد» با لشکر ابن‌زیاد درگیر شدند. عبیدالله بن‌زیاد فرماندهی سپاه شام را که به سی‌هزار تن می‌رسید، بر عهده داشت. این نبرد سه روز به طول انجامید و توّابین در این چند روز، با

۱. طبری، تاریخ‌الأمم والملوک، ج ۴، ص ۴۵۶ و ۴۵۷.

انگیزه فراوان و پایمردی زیاد، با لشکر شام جنگیدند و گروه بسیاری از آنان را به قتل رساندند. فرماندهی لشکر تَوَایین به عهده سلیمان بن سرد بود و پس از شهادت وی، مسیب بن نجبه و پس از کشته شدن او، عبدالله بن سعد بن نُفیل و پس از او، رفاعه بن شداد فرماندهی لشکر را عهده‌دار شد. در این نبرد، سران انقلاب تَوَایین، به جز رفاعه بن شداد، همگی به شهادت رسیدند.^۱

تحلیل و بررسی:

آنچه از بررسی این قیام به دست می‌آید، آن است که شهادت امام حسین علیه السلام چنان تأثیری در میان آنان گذاشت که به چیزی جز شست و شوی لکه ننگ بی‌وفایی و عدم نصرت آن حضرت فکر نمی‌کردند. آنها نه طالب فتح و پیروزی بودند و نه برای رسیدن به حکومت و غنایم پیکار می‌کردند. آنان وقتی از شهر و دیار خویش خارج شدند، می‌دانستند که دیگر باز نخواهند گشت؛ چنان‌که جناب سلیمان بن سرد خزاعی نیز این مطالب را به آنها گوشزد کرده بود و تَوَایین نیز در پاسخ به سلیمان گفتند: «ما برای دنیا و رسیدن به حکومت قیام نمی‌کنیم و هدف ما، توبه از گناهان خویش و خون‌خواهی فرزندان دختر رسول خداست.» آنان در واقع، می‌خواستند با کشتن و کشته شدن، از عذابی که به روح و جان‌شان افتاده بود، رهایی یابند و گناهان خویش را شست و شو دهند. به همین دلیل، در همان زمان، مختار نیز برای جمع‌آوری نیرو جهت مبارزه و قیام علیه حکومت ستمگر تلاش می‌کرد؛ ولی با این حال، حاضر به همکاری با سلیمان نبود و می‌گفت: «سلیمان می‌خواهد با این قیام، خود و یارانش را به کشتن دهد. او، مردی است که از آیین جنگ آگاهی ندارد.»

۱. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۱۷۸.

تواین در آغاز قیام، کنار قبر امام حسین علیه السلام رفتند و نهضت خویش را از آنجا آغاز کردند و نخستین بار توسط برخی از آنان شعار «یا نثاراتِ الحُسَین» سر داده شد. همه این تلاش‌ها و جانبازی‌ها، به‌وسیله کسانی صورت می‌گرفت که روزی در کوفه از تهدیدهای ابن‌زیاد که با تعداد محدودی وارد کوفه شد، ترسیده بودند و مسلم‌بن‌عقیل، سفیر امام حسین علیه السلام را تنها گذاشتند و شهر را تسلیم دشمن کردند؛ ولی پس از حادثه عاشورا، چنان روحیه‌ای پیدا کردند که جان برکف، دست به قیام زدند تا اینکه کشته شدند.^۱

۴. قیام مختار در کوفه

بعد از قیام تواین، در سال ۶۶ ق. قیام دیگری نیز به رهبری مختار بن ابی‌عبیده ثقفی که مردی هوشمند، سیاست‌مدار و از علاقه‌مندان اهل بیت علیهم السلام بود، با تأثیر از پیام عاشورا صورت گرفت. در مدتی که واقعه کربلا رخ داد، مختار به همراه میثم تمّار، عاشق امیر مؤمنان علیه السلام، در زندان عبیدالله بن زیاد به سر می‌برد. میثم تمّار در زندان بر اساس خبر غیبی علی علیه السلام به مختار گفت: «تو از زندان آزاد خواهی شد و به خون‌خواهی امام حسین علیه السلام قیام خواهی کرد و این ستمگر را که امروز من و تو در زندان او اسیریم، به قتل خواهی رساند و با پای خود، سر و صورت وی را لگدکوب خواهی کرد!»^۲

روز جمعه ۱۵ ربیع‌الأول سال ۶۶ هـ ق مختار وارد قصر کوفه شد و نماز جمعه به امامت او اقامه گردید. وی قبل از نماز، دو خطبه ایراد کرد و در آن، اهداف قیام خویش را تبیین نمود و پس از آن، مراسم بیعت برگزار شد. او خطاب

۱. مهدی رستم‌نژاد و سعید داودی، عاشورا؛ ریشه‌ها و انگیزه‌ها، ص ۶۷۳.

۲. ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۲۹۳.

به مردم گفت: با من بر اساس کتاب خدا و سنت پیامبرش و خون خواهی اهل بیت علیهم‌السلام و جهاد با منحرفان و دفاع از ضعفا بیعت کنید.^۱

مختار نیز حرکت خود را با شعار «یا لثاراتِ الحُسَینِ» آغاز کرد و شیعیان اهل بیت علیهم‌السلام را به قیام واداشت. او بعد از تسلط بر حکومت کوفه، حدود ۲۸ نفر از قاتلان شهدای کربلا را به جزای اعمالشان رسانید و قصاص نمود. امام باقر علیه‌السلام قیام وی را تأیید نمود و به ابومحمد حکم، فرزند مختار، فرمود: «رَجِمَ اللَّهُ أَبَاكَ رَجِمَ اللَّهُ أَبَاكَ مَا تَرَكَ لَنَا حَقًّا عِنْدَ أَحَدٍ إِلَّا طَلَبَهُ قَتَلَ قَتَلْنَا وَطَلَبَ بِيَدِمَانًا؛^۲ خداوند پدرت را رحمت کند، خداوند پدرت را رحمت کند! او حق ما را طلب کرد. قاتلان ما را کشت و به خون خواهی از ما اهل بیت علیهم‌السلام قیام نمود.»

لشکر مختار وقتی بر سپاه عبیدالله بن زیاد غالب شد، سر ابن زیاد را به مدینه برای امام سجاد علیه‌السلام فرستاد. هنگامی که سر ابن زیاد به محضر امام سجاد علیه‌السلام رسید، امام در حال تناول غذا بود. امام سجاد علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: «هنگامی که ما را بر ابن زیاد وارد کردند، او در حال غذا خوردن بود و سر پدرم در مقابلش بود. در آن لحظه، گفتم: خدایا! زنده باشم و بینم روزی که سر ابن زیاد در مقابل من قرار دارد.»^۳

مختار بعد از هجده ماه حکومت، وقتی خود را در مقابل سپاه مصعب بن زبیر در محاصره دید، با عده‌ای از همراهانش از قصر بیرون آمد و پس از مقاومت جوانمردانه، به شهادت رسید. این واقعه، روز ۱۴ ماه مبارک رمضان سال ۶۷ق. اتفاق افتاد.^۴

۱. طبری، تاریخ الأمم والملوک، ج ۴، ص ۴۷۱.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۳۴۳.

۳. همان، ص ۳۳۶.

۴. طبری، تاریخ الأمم والملوک، ج ۴، ص ۴۹۸.

تحلیل و بررسی:

جوهره اصلی قیام مختار، چیزی جز خون خواهی امام حسین علیه السلام و انتقام از جانیان کربلا نبود و مختار نیز به خوبی از عهده این هدف برآمد. وی با انتخاب شعار حرکت آفرین «یا نثارَاتِ الْحُسَینِ»، خون‌های جوانان شیعه را در رگ‌هایشان به جوش آورد. بدیهی بود که در آن روزگار، هیچ شعاری تا این اندازه نمی‌توانست در ایجاد شور و هیجان انتقام، مؤثر و کارساز باشد. از سوی دیگر، وی با ایجاد رابطه با فرزندان امیر مؤمنان علیه السلام، به ویژه محمد حنفیه و فرستادن سرهای جنایت‌کاران کربلا به نزد امام سجاد علیه السلام، به واقع رهبری معنوی و پشت پرده قیام را با خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله پیوند داد. او همواره خود را نماینده محمد حنفیه معرفی می‌کرد و رهبری قیام را به او نسبت می‌داد و روزی که کوفه را فتح کرد، مردم را به شرط خون خواهی امام حسین علیه السلام و اهل بیت آن حضرت، به بیعت خویش فراخواند.

اگرچه حکومت مختار دوام چندانی نیافت و سرانجام به دست مصعب برچیده شد، ولی هرگز نمی‌توان او را فردی شکست‌خورده دانست. او به هدف بلند خویش که همان انتقام از قاتلان و جانیان کربلا بود، به خوبی دست یافت و بارها قلب امام سجاد علیه السلام و بنی‌هاشم را خرسند نمود؛ هرچند سرانجام، خودش فدای این راه شد.^۱

سر در ره جانانه فدا شد، چه بجا شد

از گردنم این دین ادا شد، چه بجا شد!

از خون دلم بسته حنا بر سر انگشت

خون دلم انگشت نما شد، چه بجا شد!

۱. مهدی رستم‌نژاد و سعید داودی، عاشورا؛ ریشه‌ها و انگیزه‌ها، ص ۶۸۴.

۵. قیام زیدبن‌علی علیه السلام

قیام زید، فرزند امام سجاد علیه السلام نیز متأثر از عاشورا است. توجه به امر به معروف و نهی از منکر و قیام همه‌جانبه علیه ستمگران، درسی بود که زید از جدش امام حسین علیه السلام گرفته بود. او با تکیه بر بیعت پانزده‌هزار نفر از اهالی کوفه، بر ضد هشام‌بن‌عبدالملک، خلیفه اموی، قیام کرد. نخست، قرآ و اشراف اهل عراق با او بیعت کردند؛ ولی به هنگام نبرد با یوسف‌بن‌عمر ثقفی که عامل عراق بود، فرار کردند. زید پس از مقاومت بسیار و زخم‌های فراوان، در اوایل ماه صفر سال ۱۲۱ق. به شهادت رسید.^۱ امام رضا علیه السلام فرمود: «پدرم موسی بن جعفر، از پدرش جعفر بن محمد شنید که می‌فرمود: «رَحِمَ اللَّهُ عَمِّي زَيْدًا إِنَّهُ دَعَا إِلَى الرِّضَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَلَوْ ظَفِرَ لَوْقِي بِمَا دَعَا إِلَيْهِ؛^۲ خدا عمویم زید را بیامرزد! او مردم را به سوی «رضا از آل محمد» می‌خواند و اگر پیروز می‌شد، به وعده‌اش وفا می‌کرد.»

۶. قیام یحیی بن زید

از دیگر قیام‌های متأثر از عاشورا و اهداف مقدس آن، قیام یحیی بن زید^۳، نوه امام سجاد علیه السلام، بر ضد حکام مستبد بنی‌امیه است که در واقع، او به وصیت پدرش عمل نمود. او با هفتاد نفر در برابر سپاه ده‌هزار نفری نصر بن سیمار، حاکم امویان در خراسان، ایستاد و آنها را شکست داد و فرمانده آنها را به قتل رساند. او و یارانش در سال ۱۲۵ق. در نبرد با عوامل بنی‌امیه به شهادت رسیدند.^۴ شهادت وی، در خصوص قیام عمومی و نابودی آل‌امیه، تأثیر فراوانی داشت.

۱. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۱۴۳-۱۴۴.

۲. شیخ صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۴۹.

۳. یحیی بن زید بن علی بن حسین علیه السلام، یکی از چهار پسر زید بن علی است.

۴. ابن اثیر، البداية والنهاية، ج ۱۰، ص ۷.

۷. سایر قیام‌ها

گفتنی است، قیام‌های دیگری نیز در طول تاریخ رخ داد که ریشه در نهضت عاشورا دارد. در ادامه، به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

- قیام حسین بن علی، شهید فخ (۱۶۹ه.ق):

این قیام، از نهضت‌های مهم دیگری است که در پی انقلاب کربلا رخ داد. حسین بن علی بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب، نوه حسن مثنی و نواده امام مجتبی علیه السلام، در سال ۱۶۹ق. بر ضد هادی عباسی (خلافت از ۱۶۹-۱۷۰ق.) قیام کرد و در منطقه فخ با سپاه هادی مواجه شد و در جنگی نابرابر، او و یارانش به شهادت رسیدند.^۱

- قیام یحیی بن عبدالله، برادر نفس زکیه (۱۸۰ق.):

یحیی بن عبدالله محض، نواده امام حسن علیه السلام، یکی از بزرگان خاندان هاشمی و چهره ممتاز و برجسته‌ای به شمار می‌رفت و از یاران خاص امام صادق علیه السلام و مورد توجه آن حضرت بود. یحیی در جریان قیام «حسین، شهید فخ»، بر ضد حکومت ستمگر عباسی، در سپاه شهید فخ شرکت داشت و از سرداران بزرگ سپاه او محسوب می‌شد. یحیی پس از شهادت حسین (شهید فخ)، با گروهی به «دیلیم» رفت و در آنجا با عوامل هارون عباسی به مبارزه پرداخت؛ اما بر اثر توطئه هارون، در حدود سال ۱۸۰ق. به شهادت رسید.^۲ البته قتل او، نه تنها از نفوذ علویان در دیلم و طبرستان نکاست، بلکه زمینه مناسبی را برای تشکیل اولین دولت مستقل شیعی در قلمرو خلافت عباسی، یعنی علویان طبرستان، فراهم آورد.

۱. گردآوری از کتاب: مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۴۲۶.

۲. همان، ص ۳۰۸.

- قیام علویان طبرستان (۲۵۰ق.):

از انقلاب‌های موفق‌تری که منجر به تشکیل دولتی مستقل شد، قیام عالم بزرگ و فقیه دین‌دار، حسن بن زید است که ساکن ری می‌باشد. وی به دعوت مردم طبرستان، به آن دیار رفت و در ۲۵۰ق. پس از پیروزی‌های درخشان، بر عاملان عباسی غلبه کرد و دولت علویان طبرستان را ایجاد نمود و به «داعی کبیر» ملقب گردید. حکومت علویان طبرستان، حدود ۶۰ سال به طور مستقل از حکومت مرکزی عباسی، با قدرت تمام به حیات خود ادامه داد.

۸. قیام‌های معاصر

گرچه قرن‌ها از نهضت امام حسین علیه السلام می‌گذرد، اما این نهضت در قیام‌های معاصر نیز نقش‌آفرین و اثربخش بوده است؛ البته برخی از این نهضت‌ها به طور مستقیم و بعضی نیز به طور غیرمستقیم، از قیام عاشورا متأثر شده‌اند. نهضت‌های: فلسطین، میرزا کوچک خان جنگلی، شیخ محمد خیابانی، فداییان اسلام و یا جنبش‌های: سید جمال‌الدین اسدآبادی، اقبال لاهوری، شیخ محمد عبده، شیخ عبدالرحمن کواکبی، حسن البنا و ماهاتما گاندی (نهضت هندوستان)، نمونه‌هایی برجسته از مبارزه بر ضد استکبار و طاغوت زمان، بر اساس قیام امام حسین علیه السلام می‌باشند.

در این میان، جهت رعایت اختصار، تنها به انقلاب اسلامی ایران و قیام مردم هندوستان اشاره می‌نماییم:

- انقلاب اسلامی ایران:

تأثیر قیام عاشورا بر پیروزی انقلاب اسلامی ایران، حقیقتی انکارناپذیر است. آغاز نهضت امام خمینی علیه السلام در عصر عاشورای سال ۴۲ ش. بود و نقطه

اوج قیام نیز در سال ۵۷ ش. در ماه محرم جلوه نمود. پیام حماسی امام به مناسبت محرم آن سال، شعار «پیروزی خون بر شمشیر» را به عنوان منطق انقلاب اسلامی در مواجهه با دنیای استعمار ندا داد.^۱ در طول دوران هشت سال دفاع مقدس، عاشورا و نام سالار شهیدان و اصحابش در قالب: رمز عملیات و اسامی لشکرها، گردان‌ها و عملیات‌ها، تأثیر معجزه‌آسایی در پیشبرد و موفقیت انقلاب داشت.

امام خمینی علیه السلام هم بارها به تأثیر عاشورا در انقلاب اسلامی ایران اشاره کرد؛ از جمله فرمود: «امام حسین علیه السلام با عده کم، همه چیزش را فدای اسلام کرد؛ مقابل یک امپراتوری بزرگ ایستاد و «نه» گفت. هر روز باید در هر جا این «نه» محفوظ بماند.»^۲

امروزه نیز ادامه حیات انقلاب اسلامی به عاشورا وابسته است و باید همیشه اهداف امام حسین علیه السلام و قیام برای رضای الهی که برگرفته از آموزه‌های قرآن است، نصب العین ما باشد؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید: «قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَنَّی وَفَرَادَى.»^۳ پیاده کردن درس‌های عاشورا در انقلاب اسلامی، نکته مهمی است که مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بارها بدان اشاره کرده و فرموده: «اگر ما پیام امام حسین علیه السلام را زنده نگه می‌داریم،

۱. شعارهای مردم در اوج پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نمادی از عمق تأثیر اندیشه‌های نهضت امام حسین علیه السلام در بینش و باور مردم است؛ مانند: «کلّ یوم عاشورا، کلّ ارض کربلا - نهضت ما حسینیه، رهبر ما خمینیه - حسین حسین شعار ماست، شهادت افتخار ماست - ما اهل کوفه نیستیم، امام تنها بماند - هیهات منا الذّلة.»

۲. امام خمینی علیه السلام، صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۱۵.

۳. سبأ، آیه ۴۶: «بگو: شما را تنها به یک چیز اندرز می‌دهم، و آن اینکه: دو نفر دو نفر یا یک نفر یک نفر برای خدا قیام کنید.»

اگر نام امام حسین علیه السلام را بزرگ می‌شماریم، اگر این نهضت را حادثه عظیم انسانی در طول تاریخ می‌دانیم و برای آن ارج می‌نهیم، برای این است که یادآوری این حادثه، به ما کمک خواهد کرد که حرکت کنیم و جلو برویم و انگشت اشاره امام حسین علیه السلام را تعقیب کنیم و به لطف خدا به آن هدف‌ها برسیم.»^۱

- نهضت هندوستان:

واقعیت این است که تأثیرگذاری قیام امام حسین علیه السلام، اختصاص به قیام‌های جهان اسلام ندارد؛ بلکه الگوی خوبی برای همه جوامعی بود که تحت ستم مستکبران قرار گرفته بودند. از این رو، این نهضت در استقلال کشورهای دیگر، مانند هند نیز نقش آفرینی نموده است؛ زیرا شخصیت امام حسین علیه السلام و نهضت ایشان، فرازمانی و فرامنطقه‌ای است.

آنتوان بارا^۲ در کتابش به نام الحسین علیه السلام فی الفكر المسيحي می‌نویسد:

«امام حسین علیه السلام، خاصّ شیعه و مسلمانان نیست؛ بلکه گوهر جاودانه همه ادیان است. حسین علیه السلام، تنها یک مرحله تاریخی نیست؛ بلکه حرکت آزادی انسان است. او، یک اصل و اساس دائمی و جاودانی است...»^۳

از سوی دیگر، امام حسین علیه السلام آزادی خواه است. «آزادی»، واژه‌ای زیباست و همه جهانیان آن را ارمغانی بزرگ می‌دانند که طلایه‌دارش امام حسین علیه السلام، رهبر آزادگان است. حضرت به دلیل ستم‌ستیزی و بیان شعار «هَيْهَاتَ مِنَّا الدَّلَّةُ»^۴ و

۱. خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۹/۱/۲۶.

۲. «anton bara»، روزنامه‌نگار، محقق و نویسنده سوری‌الأصل که کتاب حسین علیه السلام در اندیشه مسیحیت را نگاشته است.

۳. آنتوان بارا، الحسین علیه السلام فی الفكر المسيحي، ص ۳۴۹ - ۳۵۲.

۴. طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۳۰۰.

همچنین، کلام ماندگار «وَاللّٰهُ لَا يُعْطِيْكُمْ بِيَدِيْ اِعْطَاءَ الدَّلِيْلِ»،^۱ برای همیشه بر تارک تاریخ می‌درخشد و همواره، محبوب جهانیان است.

موریس دو کبری،^۲ پس از ستایش سُکوه روز عاشورا می‌گوید:

«حسین علیه‌السلام برای... از بین بردن ظلم و ستم... و به خاطرِ خدا، از جان، مال و فرزند گذشت و زیر بار استعمار نرفت. پس، بیایید ما نیز شیوه او را سرمشق خود قرار داده، از زیر دست استعمارگران خلاصی یابیم و مرگ باعزت را بر زندگی باذلت ترجیح دهیم که مرگ باعزت، بهتر از زندگی باذلت است.»^۳

در کلام معروفی از ماهاتما گاندی، رهبر استقلال هندوستان، می‌خوانیم: «من زندگی امام حسین علیه‌السلام، آن شهید بزرگ اسلام را به‌دقت خوانده‌ام و توجه کافی به صفحات کربلا نموده‌ام و بر من روشن شده است که اگر هندوستان بخواهد یک کشور پیروز گردد، بایستی از امام حسین علیه‌السلام پیروی کند.»^۴

۱. طبرسی، اعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۲، ص ۲۴۲.

۲. «morris de cobra»، دانشمند بزرگ مسیحی است.

۳. عبدالکریم هاشمی نژاد، درس‌هایی که امام حسین علیه‌السلام به انسان‌ها آموخت، ص ۴۴۴.

۴. مهدی رستم نژاد و سعید داودی، عاشورا؛ ریشه‌ها و انگیزه‌ها، ص ۹۰.